



آیا پیش بینی دشوار بود؟

آیا پیش بینی این که پرونده سازی علیه فعالان دانشجویی و فشار، انشعاب و انفعال نسبی دفتر تحکیم وحدت به توقف حرکت دانشجویی منجر نخواهد شد و دانشجویان به دلایل گوناگون به اعتراض های دسته جمعی خواهند پرداخت، ممکن نبود؟



آیا پیش بینی این که برخورد با احزاب اصلاح طلب و نیز اپوزیسیون قانونی موجب نخواهد شد که تشکل های محافظه کار جایگزین آنها شوند، سخت بود؟ آیا معلوم نبود که با این روش، پل های ارتباطی میان حکومت و مردم و جوانان تا حدود زیادی تخریب می شود؟

آیا پیش بینی این که تعطیلی روزنامه های اصلاح طلب، افزایش تیراژ و مخاطب رسانه های محافظه کار را به دنبال نخواهد داشت، دشوار بود؟ چه میزان رسانه های فارسی زبان خارج از کشور جایگزین این نشریات شدند؟

آیا پیش بینی این که ریزش آرای اصلاح طلبان سبب نخواهد شد که به آرای اقتدارگراها اضافه شود، نیازمند ضریب هوشی بالا بود؟ آیا نتیجه کاهش مشروعیت اصلاح طلبان، آن نبود که ۹۰ درصد تهرانی ها و ۸۵ درصد شهروندان اصفهانی، مشهدی، تبریزی و شیرازی در انتخابات شوراها شرکت نکردند؟

آیا پیش بینی این که جنگ طلبان آمریکایی پس از عراق، ایران اسلامی را هدف تهدیدات خود قرار می دهند، احتیاج به تخصص در سیاست بین الملل داشت؟ آیا هنوز تردید است که راه دفع هرگونه تهدید خارجی حمایت قاطع ملت از دولت است نه تکیه بر حمایت حداکثر ۱۵ درصد مردم و تلاش هایی مانند کنفرانس آتن؟ آیا پیش بینی این که تضعیف جنبش دوم خرداد باعث تقویت جمهوری اسلامی نخواهد شد، نیاز به درایت ویژه ای داشت؟ آیا به علت ناامیدی قشرهایی از مردم به خصوص جوانان، امروز سقف مطالبات آنان نسبت به گذشته افزایش نیافته است؟ آیا وقوع حوادث اخیر در تهران و شهرستان ها پیش بینی های اصلاح طلبان را ثابت نکرد که توقیف، تعطیلی، بازداشت، محاکمه، زندان و ... نخواهد توانست مطالبات اجتماعی و سیاسی قشرهای وسیعی از مردم را متفی کند یا به فراموشی بسپارد؟

اگر پاسخ پرسش فوق مثبت است، باز هم هشدار می دهیم که مدیریت کشور تنها با تمکین به رأی ملت و پاسخگویی به مطالبات آنان، به ویژه با رعایت حقوق و آزادی های شهروندان می تواند رضایت مردم را جلب کند، پیش از آن که دیر شود.